

آسیب‌شناسی فرایند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو

محمد جوادی‌پور^۱، میترا روحی دهکردی^۲، سمیه رهبری^۳، حلیمه طایفی^۴

۱. دانشیار روش‌ها و برنامه‌های آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران *
۲. استادیار تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
۴. کارشناسی‌ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی فرایند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، در شمار پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیت داده‌های پژوهشی، جزو پژوهش‌های طرح آمیخته بود. مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی به‌عنوان جامعه هدف در نظر گرفته شدند. شیوه انتخاب گروه نمونه برای بخش کیفی پژوهش، غیراحتمالی و با استفاده از شیوه‌های نمونه‌برداری هدفمند و مبتنی بر روش نمونه‌گیری ملاکی به حجم ۱۶ نفر انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری شدند. سپس، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱) کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. برای بخش کمی، نمونه‌ها به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند و داده‌های مربوط به آن با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. گویه‌های این پرسش‌نامه، از مصاحبه نظام‌مند با مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی استخراج شدند. پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد ($\alpha = 0/83$). تحلیل داده‌ها در این بخش نیز با استفاده از نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس. و با آزمون فریدمن انجام شد. در بخش کیفی، نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر، تدوین علمی، مطالعات و پژوهش‌ها، مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور هستند و آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شامل عواملی از جمله ضعف در نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در

این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی است که با حمایت صندوق پژوهشگران کشور انجام شده است.

Email: javadipour@ut.ac.ir

*نویسنده مسئول:

برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین و مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی هستند. همچنین، مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی، الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، الگوهایی هستند که می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی از آن‌ها استفاده کرد. طبق نتایج بخش کمی، بین میانگین رتبه‌های آسیب‌های موجود در ورزش همگانی و میزان نقش منابع اطلاعاتی موجود تفاوت معنادار مشاهده نشد. به‌طورکلی، نتایج پژوهش نشان داد که فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران با آسیب‌ها و چالش‌هایی همراه است که باید آن‌ها را شناخت و براساس روش‌های علمی اصلاح کرد. تغییرات ساختاری و اصلاح قوانین از عمده‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌آیند. همچنین، باید از الگوهای دقیق و علمی برای سیاست‌گذاری استفاده کرد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، سیاست‌گذاری ورزش، ایران

مقدمه

ورزش همگانی با بطن جامعه در ارتباط است و هدف آن گسترش نشاط و شادابی، بالابردن روحیه و افزایش انگیزه، داشتن زندگی سالم در ابعاد فردی و اجتماعی، کم‌کردن ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی در کنار تقویت قوای جسمانی و از بین بردن مشکلات روحی و روانی در اقشار مختلف جامعه اعم از مرد، زن، پیر و جوان است. به‌همین دلیل، پرداختن به آن و اعمال سیاست‌های صحیح برای رسیدن به اهداف آن، اگر بالاتر از اهمیت پرداختن به ورزش قهرمانی نباشد، کمتر از آن نیست. چه‌بسا فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی و رساندن آن به نقطه مطلوب و جذب جامعه هدف که همانا خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان هستند، به‌دلیل گستردگی آن بسیار پیچیده است و به توجه و هماهنگی بیشتر میان حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نیز همکاری متقابل نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، ایجاد امکانات کم‌هزینه و با دسترسی آسان برای سطوح مختلف اجتماع نیاز دارد.

نظام سیاست‌گذاری در ایران بنیادهای معرفتی و نظری خاصی دارد که به‌وجودآورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند؛ از این‌رو، برای شناخت سیاست و سیاست‌گذاری، شناخت این بنیادها از یک‌سو، به بهینه‌سازی فرایندهای سیاست‌گذاری آینده کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر، ما را با نقاط قوت و خلأهای موجود آشنا می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۳، ۹۸). مارتین لوتر کینگ می‌گوید: اگر می‌خواهید مردم را به حرکت وادارید، حرکت باید به‌سوی چشم‌اندازی باشد که از نظر آن‌ها مثبت است، از ارزش‌های مهمی بهره‌گیرد، چیزی که آن‌ها آرزوی آن را دارند به آن‌ها

بدهد و نیز باید به روشی الزامی عرضه شود که آن‌ها احساس کنند برای پیگیری آن اشتیاق دارند (طرح اجمالی سند جامع ورزش کشور، ۱۳۸۱، ۲۵). بیشتر دولت‌ها سیاست‌های ملی دارند و بسیاری از آن‌ها بودجه‌هایی را به طرح‌های بین‌المللی اختصاص می‌دهند؛ ولی تعداد کمی از آن‌ها چهارچوب سیاسی هم‌نوایی را برای هدایت/مساعده برنامه توسعه ورزش^۱ در سطح بین‌المللی، با وضع قانون یا راهبردهای تنظیمی روشن و برنامه‌های صریح و اختصاصی و البته بودجه‌های متعهد توسعه داده‌اند (کیم^۲، ۲۰۰۸، ۳۷۲). ورزش امری اجتماعی است؛ اما در تحلیل این پدیده برمبنای فرضیه‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی باید با احتیاط بیشتری نسبت به خیلی از امور اجتماعی دیگر برخورد کرد؛ زیرا، در تحلیل پدیده ورزش باید برمبنای تحلیل پدیده‌های بین‌رشته‌ای عمل کنیم؛ چراکه، بدون شک، امروزه ورزش به‌طور ویژه با فرهنگ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست و غیره پیوند یافته است؛ درحالی‌که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی می‌توان هم‌زمان با توجه به شرایط دیگر، از یک عامل یا شرایط (بسته به نوع پدیده) به‌عنوان عامل اصلی یاد کرد. دیدگاه جامعه‌شناختی کارکردگرایی نیز معتقد است ورزش با تخلیه هیجان‌ها، تنش‌ها و انرژی پرخاشگری افراد و تأکید بر ارزش‌های مثبت اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی نقش دارد و باعث تقویت وحدت ملی و ثبات و تعادل اجتماعی می‌شود. این دیدگاه اعتقاد دارد زمانی ثبات و تعادل اجتماعی حفظ می‌شود که ارزش‌ها و محیط با هم سازگار باشند و آن نیز در صورتی است که ارزش‌های جامعه از طریق روندی با کفایت جامعه‌پذیری، به‌خوبی به نسل‌های جدید منتقل شود (ملکوتیان، ۱۳۸۸، ۳۰۳).

تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه بررسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی و حتی در عرصه ورزش انجام نشده‌اند و پژوهش‌های معدود انجام‌شده مقوله سیاست و ورزش را بررسی کرده‌اند یا تنها حوزه‌هایی خاص از بحث سیاست و ورزش را پوشش داده‌اند. پژوهش حاضر از حیث بررسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران کار جدیدی است و تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است. از پژوهش‌های داخل کشور که بی‌ارتباط با پژوهش حاضر نیستند می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد.

ملکوتیان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «سیاست و ورزش» به جنبه‌های مختلف رابطه ورزش و سیاست پرداخته است. براساس این بررسی، رابطه ورزش و سیاست دوطرفه است؛ به‌گونه‌ای که از یک طرف، سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر،

1. SDP

2. Kim

ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی، همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌نهد و البته خود نیز به‌ویژه در زمان برگزاری ورزش‌های بین‌المللی مورد استفاده قدرت‌های جهانی قرار می‌گیرد. دوستی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «علل ورود سیاست‌مداران به ورزش» انجام داد. براساس یافته‌ها، ۷۳ متغیر در بحث عوامل مرتبط با ورود مدیران سیاسی ورزش شناسایی شده‌اند. می‌توان گفت که در میان عوامل مرتبط با حضور مدیران سیاسی، بخش دلایل (۳۱ متغیر) ورود و دخالت مدیران سیاسی به ورزش به‌نظر مهم‌تر می‌رسد. محمدی، شفیعی و زاهدی (۱۳۹۳) به مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری توسعه گردشگری در کشورهای ایران و مالزی پرداختند. نتایج نشان داد که ضعف در ساختار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با توجه به شاخص‌های حکمرانی، از چالش‌های اصلی پیش‌روی توسعه صنعت گردشگری کشور است. همچنین، نبود برنامه جامع توسعه گردشگری و ضعف بازاریابی از مسائل عمده ضعف در صنعت گردشگری ایران در مقایسه با مالزی هستند. کشر (۱۳۹۴) به تعیین شاخص‌های اثربخشی برنامه‌های تفریحات ورزشی (ورزش همگانی) شهروندان پرداخت. یافته نشان داد که در روش‌های مختلف پژوهش، ۱۰ هدف به‌عنوان اهداف مشترک برنامه‌های تفریحی- ورزشی شناسایی شدند و ۱۰ شاخص اثربخشی برای آن‌ها تدوین شدند. همچنین، عواملی به‌عنوان عوامل مؤثر در اثربخشی این برنامه‌ها مشخص شدند. برای بررسی میزان اثربخشی برنامه‌های تفریحی- ورزشی شهروندان، تدوین اهداف در اولویت اول است و تا هدف‌ها روشن، دست‌یافتنی و سنجیدنی نباشند، امکان بررسی اثربخشی برنامه‌ها وجود نخواهد داشت؛ بنابراین، شناسایی عوامل اثرگذار بر اثربخشی برنامه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از پژوهش عرب‌نرمی، گودرزی، سجادی و خبیری (۱۳۹۵)، تبیین نقش تلویزیون در توسعه ورزش همگانی بود که به روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی برخاسته از داده‌ها انجام گرفت. براساس یافته‌ها، مقوله محوری رویکرد نامناسب تلویزیون به ورزش همگانی شناسایی شد و مقوله‌های اصلی بر مبنای مدل پارادایمی بر گرد آن سازمان‌دهی شدند. برخی از شرایط علی، نبود جذابیت مالی ورزش همگانی برای تلویزیون و محدود بودن تعامل دوسویه سازمان‌های متولی ورزش همگانی با شبکه‌های تلویزیون بودند. شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای، ضعف شبکه‌های مرتبط با حوزه سلامت، نیروی انسانی تلویزیون، جذابیت ناچیز ورزش همگانی برای مخاطبان تلویزیونی و گرایش مخاطب به تماشای تلویزیون با انگیزه تفریح و سرگرمی بودند. علاوه بر این، پیامدها عبارت بودند از: سهم ناچیز ورزش همگانی از ساعات پربیننده ورزش تلویزیون و نقش محدود تلویزیون در ایجاد انگیزه و آگاهی نسبت به فعالیت بدنی. امان^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «سیاست فراغت در نیوزلند و مالزی: مطالعه تطبیقی توسعه در ورزش و تفریحات جسمانی» به بررسی نقش و جایگاه ورزش در توسعه کشور

1. Aman

نیوزلند و مالزی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که رسانه‌ها و تجارت باعث تغییر نگرش مردم نسبت به ورزش شده‌اند؛ به طوری که میزان مشارکت در ورزش طبق بررسی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲ رشد چشمگیری داشته است. در این دوره، احزاب سیاسی در نیوزلند و مالزی از ورزش برای شکل‌دهی به افکار عمومی در کشورشان استفاده کردند. هالیهان^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به توسعه چهارچوبی برای تحلیل تدوین سیاست‌گذاری بخش عمومی ورزش انگلستان پرداخت. وی الگوی مراحل، تحلیل سازمانی، الگوی چندمرحله‌ای جریان و ساختار ترکیبی پشتیبان را ارائه کرد. سپس، ساختاری مناسب برای سیاست‌گذاری بخش عمومی ورزش که بر نقاط قوت ساختارهای موجود تأکید دارد، ارائه کرد. همچنین، وی تأکید ویژه‌ای بر ساختارهای متقابل همکاری همه نهادها در این حوزه کرد. ژوزف و سیسیلیا^۲ (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «سیاست ورزش در سوئد» انجام دادند. نتایج نشان داد که سیاست‌های ورزشی در سوئد نتیجه رابطه‌ای بلندمدت بین دولت‌های ملی و محلی و باشگاه‌های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که به حمایت گسترده‌ای از ورزش‌های سازمان یافته منجر می‌شود. در این رابطه که با یک قرارداد ضمنی تعریف می‌شود، دولت در مورد میزان و هدف بودجه تصمیم می‌گیرد و دریافت‌کننده؛ یعنی کنفدراسیون ورزش سوئد، جزئیات مربوط به توزیع و مدیریت را تعیین می‌کند. سینگ^۳ (۲۰۱۷) به بررسی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی پرداخت. نتایج نشان داد که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان، برای افراد در تمام سنین سه برنامه بزرگ ملی راه‌اندازی کرده است. این سه برنامه، «مالزی متناسب»، «روز ملی ورزش» و «الهام‌بخشیدن» بودند. این برنامه‌ها در همه ۱۵ ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازمان‌دهی شدند و در نتیجه، تمام مردم را با هر نوع زندگی و سن در برمی‌گرفتند. در نهایت، هدف اصلی این سیاست ورزشی تبدیل ورزش به فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و راهبردهای مشخص شده در این سیاست تضمین می‌کنند که تمام تلاش‌ها در این راستا، همراه با تلاش‌ها برای رسیدن به وضعیت توسعه‌یافته در کشور مالزی، با موفقیت پیاده‌سازی شوند.

با بررسی آمار ارائه شده از سوی سازمان تربیت‌بدنی کشورمان درمی‌یابیم که فقط ۱۰ درصد از مردم جامعه به ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌پردازند و این آمار در مقایسه با کشورهای دیگر مانند استرالیا که ۵۲ درصد از مردم آن ورزش می‌کنند، بسیار ناچیز است. این کاهش تحرک و فعالیت بدنی در زندگی روزمره که به دلیل توسعه و گسترش امکانات و وسایل رفاهی و شیوه‌های نوین زندگی

-
1. Houlihan
 2. Josef & Cecilia
 3. Singh

به وجود آمده است، ضرورت برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های جسمانی موردنیاز جامعه را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند (کاشف، ۱۳۷۹، ۴۵). براساس اطلاعات ارائه‌شده توسط اتحادیه اروپا، حداقل ۳۰ درصد از جوانان و نوجوانان در سطح جهان، فعالیت بدنی کافی ندارند. براساس اطلاعات موجود، این میزان در کشور ما بسیار بیشتر است، بنابراین، مهم‌ترین ضرورت و وظیفه سیاست‌گذاران ورزشی، توجه به گسترش ورزش در بین عموم جامعه است. افزون‌براین، ورزش به‌عنوان یک حق اجتماعی برای انسان‌ها مطرح است؛ به‌گونه‌ای که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ ورزش را یک حق اجتماعی قلمداد کرده است و بیان کرد که فرصت مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی حقی انسانی است و دولت‌ها موظفند فرصت مشارکت در ورزش را برای همگان فراهم آورند. در بعضی از کشورها مانند فنلاند و سوئد، تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش از ۸۰ درصد از جمعیت آنان نیز فراتر رفته است. با توجه به تاریخچه ورزش‌های همگانی در جهان با رویکردهای جدید و فلسفه روشن آن در بسیاری از کشورها و تمرکز بر رویکردهای چندگانه سلامت، شادابی جامعه، غنی‌سازی اوقات فراغت، بهبود روابط شغلی، پیوند و ارتباطات اجتماعی، پیشگیری و درمان، فرح‌بخش بودن، تخلیه انرژی، برخورداری از عواطف اجتماعی و دستیابی به فواید و آثار ورزش، به‌نظر می‌رسد استفاده از همه ظرفیت‌های جامعه برای توسعه ورزش همگانی ضروری است. افزون‌براین، برای نهادینه‌شدن این موضوع در جامعه، افزایش آگاهی مردم می‌تواند نقشی محوری ایفا کند.

تجربه کشورهای صاحب‌نام در این رابطه حاکی است که دلایل پیشرفت و توسعه ورزش همگانی در این کشورها مرهون سرمایه‌گذاری دولت و مردم و همکاری گسترده آن‌ها است. در مطالعه‌ای که روی ۱۲۶ کشور جهان انجام شد، مشخص شد که هرچند ۹۲ درصد از این کشورها تربیت‌بدنی را اجباری و اجرای آن را برای تمامی اقشار جامعه لازم می‌دانند، تنها در ۷۱ درصد از کشورها تربیت‌بدنی با نیازهای اجتماعی هماهنگ است و در ۲۹ درصد از موارد وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافی غیر از ماهیت ورزش است. در کشورهای در حال توسعه، در ۶۰ درصد از موارد سیاست‌های ورزشی در حد شعار و روی کاغذ باقی می‌مانند. همچنین، در مطالعه ذکر شده مشخص شد که فاصله آنچه قانون تعیین کرده است و آنچه اجرا می‌شود، فراوان است (غفوری، هنرور و هنری، ۱۳۸۶، ۶۸). بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده و با توجه به چشم‌انداز فدراسیون ورزش‌های همگانی و تفریحی (حرکت به‌سوی ایرانی فعال، شاداب و سالم تا سال ۱۴۰۴ با پوشش ۵۰ درصد از افراد جامعه) و تعریف حرکت به‌صورت «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، بسترسازی، ایجاد انگیزه، حمایت و حفظ دستاوردها»، سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی در ایران اهمیت و ضرورت می‌یابد. همچنین، با توجه به اینکه مسئله ورزش همگانی از حساسیت و اثرگذاری در سطوح جامعه برخوردار است، حمایت زیاد عموم مردم، کارگزاران، سیاست‌مداران و بخش خصوصی را برای قرارگیری این مسئله

در دستور کار می‌طلبید؛ براین اساس، پژوهش حاضر سعی دارد با نگاهی علمی و پژوهشی به شناخت فرایندها، دیدگاه‌ها و بنیادهای نظری حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران بپردازد و عوامل تأثیرگذار و جامعه سیاست‌گذاران (خط‌مشی‌گذاران) را شناسایی کند و نیز تأثیر آن‌ها را بر روند منطقی و عقلانی سیاست‌گذاری تحلیل کند. معرفی و بررسی چهارچوب‌های موجود در تحلیل سیاست‌های ورزش و به تبع آن، سیاست‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی می‌تواند خلأ موجود در ارزیابی سطوح سیاست‌گذاری را پوشش دهد. از یک طرف، داشتن مدل و رویکرد در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی می‌تواند به صورت علمی به ارزیابی مجدد اولویت‌های سیاسی مربوط به ورزش همگانی بپردازد و از طرف دیگر، به درک سریع روابط سیاست‌گذاری موجود در جهان واقعیت بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

برای اجرای پژوهش حاضر، روش پژوهش آمیخته اکتشافی^۱ پیش‌بینی شد. بدین منظور، این مطالعه در ۲ مرحله اصلی (بخش اول، کیفی و بخش دوم، کمی) انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیت داده‌های پژوهشی، جزو پژوهش‌های طرح آمیخته بود. مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی به عنوان جامعه هدف در نظر گرفته شدند. شیوه انتخاب گروه نمونه برای بخش کیفی پژوهش، غیراحتمالی و با استفاده از شیوه‌های نمونه-برداری هدفمند^۲ و مبتنی بر روش نمونه‌گیری ملاکی، انجام شد. در این بخش، برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه استفاده شد. ابتدا، مصاحبه‌شوندگان به‌طور کلی در جریان موضوع مصاحبه قرار گرفتند و سپس، نظرها و دیدگاه‌های خود را درباره سؤالات مصاحبه بیان کردند. برای اجرای اولین بخش این پژوهش، تعدادی از مدیران و صاحب‌نظران علمی و دانشگاهی با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و مصاحبه به‌طور ساختارنیافته با ۱۶ نفر که تمایل به همکاری داشتند، انجام گرفت. نمونه‌گیری نظری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. سپس، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش استرابت و کارپنتر^۳ (۲۰۱۱) کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. از نظر استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱)، اشباع یعنی ادامه جمع‌آوری داده‌ها باعث تکرار جمع‌آوری داده‌های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی به دست نیاید؛ از این رو، تعداد مشارکت‌کنندگان قبل از مطالعه مشخص نمی‌شود و تصمیم‌گیری در مورد مشارکت‌کننده بعدی از طریق اطلاعات حاصل از مشارکت‌کننده‌های قبلی

1. Exploratory Mixed Method Research
2. Purposeful or Purposive
3. Streubert & Carpenter

انجام می‌شود و تازمانی که کدهای جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج شوند و اطلاعات به‌دست‌آمده تکراری نباشد، نمونه‌گیری ادامه می‌یابد. در بخش کیفی، ابتدا مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز انجام شد. سپس، مصاحبه‌های انجام‌شده با دقت و با جزئیات رونویسی و مکتوب شدند. در جریان بازخوانی، گزاره‌های اصلی به‌دست آمدند. پس از آن، مضامین و مقوله‌های اولیه برای گزاره‌ها انتخاب شدند و درنهایت، مضامین استخراج و تحلیل شدند. برای تأیید روایی و اطمینان‌پذیری داده‌ها، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان ارائه شدند و نظرهای آن‌ها دریافت شدند.

در بخش کمی و برای بررسی میزان اعتبار نظام طراحی‌شده، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد. پرسش‌نامه پژوهشگرساخته، ابزار گردآوری داده‌های پژوهش در مرحله کمی بود. گویه‌های این پرسش‌نامه، از مصاحبه نظام‌مند فرایند سیاست‌گذاری مدیران و کارشناسان خبره و پیشینه پژوهش استخراج شدند و به بررسی وضعیت موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور پرداخته شد. پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که در سطح مطلوبی قرار داشت ($\alpha = 0/83$). در این بخش، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس^۱ و با آزمون فریدمن انجام شد.

نتایج

نتایج بخش کیفی: در این بخش، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌های بخش کیفی ارائه می‌شود.

طبق اولین هدف پژوهش، به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤال بودیم که آیا در ورزش همگانی ایران، سیاست‌گذاری به‌نحو صحیح انجام می‌شود؟ چه مؤلفه‌هایی در این زمینه مؤثر هستند؟ براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، در بیشتر موارد، مصاحبه‌شونده‌ها نحوه سیاست‌گذاری در ورزش همگانی را مناسب نمی‌دانستند. به عقیده آن‌ها، پنج مؤلفه که شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل و تفسیر و تدوین علمی و نیز مطالعات و پژوهش‌ها هستند، در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی مؤثر هستند. در جدول شماره یک، مقوله‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها آمده‌اند.

1. SPSS

جدول ۱- مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی

تحلیل داده‌ها با روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱)، کدگذاری و مقوله‌ای کردن

سؤال ۱- آیا در ورزش همگانی ایران، سیاست‌گذاری به‌نحو صحیح انجام می‌شود؟ چه مؤلفه‌هایی در این زمینه مؤثر هستند؟

مضمون (مؤلفه) / ها	مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها
مؤلفه‌های سازمانی	راهبردهای مقام معظم رهبری، سند توسعه ورزش‌های همگانی و روش مسیر بحرانی ^۱ آن، سند تحول و ارزیابی و پیگیری آن، توسعه کمی و کیفی دسترسی به ورزش‌های همگانی، ترویج ساختار مدیریتی ورزش‌های همگانی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، گسترش مشارکت نهادهای عمومی و مردمی، برگزاری مستمر رویدادهای مختلف، توجه به ورزش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در کنار توجه به ورزش قهرمانی، بهره‌وری و استفاده بهینه از توانمندی افراد، گسترش رشته‌های مختلف، همکاری نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، سازمان‌های ذی‌ربط و میزان حضور ورزش در برنامه‌هایشان، قوانین ورزش، میزان توجه به ورزش و برنامه‌ریزی برای آن.
باورها و فرهنگ‌ها	ترویج فرهنگ ورزشی و تحرک در جامعه و نهادینه‌کردن آن، باورهای فرهنگی مردم، باور بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و همراهی آن‌ها برای سودآوری و همراهی سایر نهادها مثل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و بهداشت و درمان، بهزیستی و حتی نیروهای نظامی.
شرایط اقتصادی	امکانات و تجهیزات مناسب، بودجه برای ایجاد رغبت و عملیاتی‌شدن، بهره‌برداری از منابع مالی، دسترسی به امکانات.
تحلیل، تفسیر و تدوین علمی	داشتن تعاریف واحد و همگون از ورزش همگانی، شناخت وضعیت موجود و نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، داشتن مدیران سیاست‌گذار، تدوین فلسفه ورزش، هدف‌گذاری، طرح مسئله، شناخت محیط و تحلیل آن، تدوین برنامه جامع و تعیین سهم و وظایف هر نهاد.
مطالعات و پژوهش‌ها	استفاده از نتایج پژوهش‌ها، مطالعه محیطی کشورهای موفق در زمینه ورزش همگانی و الگوبرداری از آن‌ها، علمی‌بودن و چگونگی انطباق عملکرد با استانداردهای علمی.

مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور به شرح زیر هستند:

۱- مؤلفه‌های سازمانی: راهبردهای مقام معظم رهبری از جمله مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی است. علاوه بر این، اسنادی همچون سند توسعه ورزش‌های همگانی و روش مسیر بحرانی آن، سند تحول، ارزیابی و پیگیری آن نیز مؤثر هستند. برای انجام سیاست‌گذاری صحیح لازم است که ساختار مدیریتی ورزش‌های همگانی ترویج یابد و دسترسی به ورزش‌های

1. Critical Path Method (C.P.M)

همگانی ازلحاظ کمی، کیفی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشارکت نهادهای عمومی و مردمی و نیز برگزاری مستمر رویدادهای مختلف توسعه یابند و درکنار توجه به ورزش قهرمانی، به ورزش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، بیشتر توجه شود و همچنین، از توانمندی افراد استفاده بهینه‌ای شود. برای تحقق این امر باید رشته‌های مختلف با همکاری نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های مربوط گسترش یابند. نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های ذی‌ربط از طریق میزان حضور ورزش در برنامه‌هایشان، وضع قوانین ورزش، میزان توجه به ورزش و برنامه‌ریزی برای آن در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی باید نقش کلیدی ایفا کنند.

«سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران تابعی از سیاست‌گذاری در کل ورزش کشور است، به‌نظر می‌رسد که در کل ورزش کشور سازوکارها فراهم هستند؛ اما اجرا براساس آن سازوکارها به‌نحو مطلوبی صورت نمی‌گیرد؛ برای مثال، شورای عالی ورزش کشور بهترین نهاد برای گرفتن تصمیمات مربوط به ورزش کشور است که در رأس آن رئیس‌جمهور و اعضای آن برخی از وزرا مانند وزیران آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و وزیر ورزش و جوانان است. به‌نظر می‌رسد که در سال دو بار باید جلسه‌ای بگذارند و بهتر است چهار جلسه در هر فصل برگزار کنند و برنامه‌هایی که وزارت ورزش و جوانان در حال انجام آن است، بررسی و آسیب-شناسی شوند و براساس نواقص موجود و پیشرفت‌های حاصل‌شده در دنیا، برنامه‌ریزی جدید انجام شود و سیاست‌گذاری کلان در ورزش صورت گیرد. این شورا گاهی سالی یک بار تشکیل می‌شود و یا اصلاً شکل فرمالیته دارد و به‌نظر پژوهشگر اصلاً تشکیل نشده است؛

۲- باورها و فرهنگ‌ها: باورها و فرهنگ عمومی جامعه نقش مؤثری در سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایفا می‌کنند. اینکه فرهنگ ورزشی و تحرک در جامعه و نهادینه‌بودن آن و نیز باورهای فرهنگی مردم نسبت به ورزش چه مقدار ترویج دارند و همچنین، اینکه بخش خصوصی و سایر نهادها مثل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، بهداشت و درمان، بهزیستی و حتی نیروهای نظامی تاچه‌حد به سرمایه‌گذاری و همراهی با ورزش همگانی برای سودآوری، اعتقاد و باور دارند، در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی مؤثرند؛

۳- شرایط اقتصادی: برای سیاست‌گذاری در هر بخش، شرایط اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کنند. امکانات و تجهیزات مناسب، بودجه کافی برای ایجاد رغبت و عملیاتی‌شدن سیاست‌ها، بهره‌برداری از منابع مالی و دسترسی به امکانات لازم این امکان را فراهم می‌کنند تا سیاست‌گذاری در ورزش همگانی به‌نحو صحیح انجام شود؛

۴- تحلیل، تفسیر و تدوین علمی: داشتن تعاریف واحد و همگون از ورزش همگانی، شناخت وضعیت موجود، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، تدوین فلسفه ورزش، هدف‌گذاری، طرح مسئله،

شناخت محیط و تحلیل آن، تدوین برنامه جامع و تعیین سهم و وظایف هر نهاد در کنار داشتن مدیران سیاست‌گذار، کمک می‌کنند تا سیاست‌گذاری در ورزش همگانی به‌نحو صحیح انجام شود؛ در این زمینه با توجه به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان، می‌توان گفت اصلاً سیاست‌گذاری انجام نشده است؛ زیرا در فلسفه کشور، ورزش همگانی جایگاهی ندارد. علت آن این است که فلسفه کشور مدال‌آوری و قهرمانی است و اولویت وزارت در حوزه قهرمانی و کسب مدال از نظر رتبه بندی است و مطلقاً حوزه سلامت یا کاهش آسیب‌های اجتماعی و ورزش همگانی مطرح نیست؛ زیرا، فلسفه‌ای نداریم و سیاست‌گذاری‌ها مقطعی هستند، یک دوره بعد از طرح جامع، توجه بیشتر به ورزش همگانی را مطرح کردند و بعد از دوره هشتم آقای خاتمی و ورود به دوره‌های نهم و دهم ریاست‌جمهوری و تغییرات در وزارت ورزش و خارج کردن سند جامع ورزش کشور از دور مبنای سیاست‌گذاری، ورزش همگانی نیز کمرنگ شد و ساختار ادغام ورزش همگانی و معاونت بانوان، نه در جایگاه ساختاری و نه در جایگاه واقعی توانست قرار گیرد؛

۵- مطالعات و پژوهش‌ها: برای انجام سیاست‌گذاری صحیح لازم است از نتایج پژوهش‌ها در زمینه ورزش همگانی استفاده شود. همچنین، مطالعه محیطی کشورهای موفق در زمینه ورزش همگانی، الگوبرداری از آن‌ها، علمی‌بودن فرایند سیاست‌گذاری و منطبق‌بودن عملکرد با استانداردهای علمی، به سیاست‌گذاری صحیح در ورزش همگانی منجر می‌شود.

آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور، دومین هدف پژوهش بود. با بررسی نظرات شرکت‌کنندگان در مصاحبه، هشت عامل ضعف در نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین و مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی، به‌عنوان آسیب در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شناسایی شدند. در جدول شماره دو، این عوامل و مقوله‌های مرتبط با آن‌ها ارائه شده‌اند.

جدول ۲- آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی	
تحلیل داده‌ها با روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱)، کدگذاری و مقوله‌ای کردن	
سؤال ۲- آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی شامل چه مواردی است؟	
مضمون(ها)	مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها
ضعف نظارت و کنترل	پیگیری نکردن کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، فقدان نظارت جدی اداری و نظام مند بر اجرای سیاست‌ها، توجه‌نداشتن وزارتخانه‌های مسئول.
ساختار ضعیف	نبود سامانه وزارتخانه و هیئت‌های استانی، وجود فدراسیون ورزش‌های همگانی و نداشتن فعالیت مستقیم زیرنظر وزارت ورزش، معاونت همگانی و غیرسازمانی بودن آن، نداشتن ساختار مدیریتی مناسب، ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول.
ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا	تعدد تصمیم‌گیرندگان، نداشتن وحدت رویه و برنامه‌ای جامع، نبود برنامه‌ریزی جامع و کاربردی با مشارکت تمام مسئولان ذی‌ربط، تمرکز بر برنامه‌های بلندمدت، دیربازده بودن برنامه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی‌شده، توجه بیش‌ازحد به تبدیل سیاست‌ها به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، توجه بیش‌ازحد به اسنادها، توجه‌نداشتن به فرایند بین‌المللی و ایجاد فاصله با جهان.
عملکرد ضعیف رسانه‌ها	فقدان فرهنگ‌سازی
منابع مالی محدود	وابستگی مالی به دولت، سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ براساس میزان محدود منابع مالی و امکانات.
عملکرد ضعیف نیروی انسانی	استفاده نکردن از پیشکسوتان، تصمیم‌گیری سلیقه‌ای مسئولان و تغییر مداوم سیاست‌ها، شعاردادن بدون عمل.
قوانین	تمرکزگرایی، نهادینه نبودن سیاست‌ها و زنجیروار نبودن اهداف، سهم‌خواهی فدراسیون و وزارت ورزش از برنامه‌های ورزشی سازمان‌ها.
مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی	بدون استفاده ماندن ساعات زیاد دانشگاه‌ها، مدارس و کارخانه‌ها، آسیب‌شناسی نشدن فاصله بین کشورهای صاحب سبک و ایران.

آسیب‌های فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی به شرح زیر هستند:

۱- ضعف نظارت و کنترل: سیستم نظارت و کنترل دقیق مسیرها و فرایندها در زمینه سیاست‌گذاری می‌تواند مانع بروز مشکلاتی از جمله اتلاف وقت و سرمایه‌های مالی و انسانی شود. پیگیری نکردن کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، فقدان نظارت جدی اداری و نظام مند بر اجرای سیاست‌ها و توجه‌نداشتن وزارتخانه‌های مسئول موجب می‌شوند فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی با آسیب جدی مواجه شود.

«به این معنا که ظاهراً نظارت جدی اداری و نظام مندی بر اجرای آن سیاست‌ها وجود ندارد که بتواند سیاست‌ها را تصحیح کند. وزارت ورزش و شورای عالی ورزش در رأس قرار دارند و زیرمجموعه آن، معاونت همگانی و فدراسیون همگانی است؛ اما به نظر می‌رسد در جایی که تعیین‌کننده و

تصویب‌کننده سیاست‌ها کجا باشد و فرایند سیستماتیک نظارت چگونه باشد، دچار مشکل هستیم که این آسیب اصلی است؛ اگر شما دنبال آسیب‌شناسی هستید»؛

۲- ساختار ضعیف: وجود ساختار قدرتمند مدیریتی و سازمانی، زمینه‌های بروز آسیب به فرایند سیاست‌گذاری را کاهش می‌دهد؛ اما متأسفانه، در حال حاضر، نبود سامانه وزارتخانه و هیئت‌های استانی، وجود فدراسیون ورزش‌های همگانی و فعالیت‌نداشتن مستقیم زیر نظر وزارت ورزش، غیرسازمانی بودن معاونت همگانی و نداشتن ساختار مدیریتی مناسب و نیز ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول، مانع وجود یک ساختار مدیریتی و سازمانی قدرتمند شده است و به فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی آسیب رسانده است.

«از نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان بعد از پیروزی انقلاب، تاکنون درباره ورزش همگانی صحبت‌های زیادی شده است. کارگروه‌های زیادی تشکیل و کار شده‌اند؛ اما به اعتقاد پژوهشگر، آسیب‌شناسی این کار انجام نشده است؛ زیرا، همه از ورزش همگانی تعریفی جداگانه دارند؛ یعنی هنوز به ادبیات مشترک در ورزش همگانی نرسیده‌ایم. این دستور در شورای عالی ورزش کشور که بالاترین مقام کشور یعنی رئیس‌جمهوری، وزیر ورزش به عنوان دبیر جلسه و معاونان ذی‌ربط نیز حضور دارند باید مطرح شود.»

۳- ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا: فرایند سیاست‌گذاری چرخه‌ای زنجیروار است که خلل در یک بخش به کل فرایند آسیب می‌رساند. در بخش برنامه‌ریزی و اجرای آن، تعدد تصمیم‌گیرندگان، نداشتن وحدت رویه و برنامه‌ای جامع و کاربردی با مشارکت تمام مسئولان ذی‌ربط، تمرکز بر برنامه‌های بلندمدت، دیربازده بودن برنامه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی‌شده، توجه بیش‌ازحد به تبدیل سیاست‌ها به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، توجه بیش‌ازحد به استنادها، توجه‌نداشتن به فرایند بین‌المللی و ایجاد فاصله با جهان، موجب شده‌اند تا کل فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی آسیب ببیند.

«با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان این تحقیق از آسیب‌های مهمی که می‌توان برای این سیاست‌گذاری ذکر کرد، نبود دقت و توجه لازم در وزارتخانه‌های یادشده، دیربازده بودن طرح‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده و فقدان برنامه‌ریزی جامع و کاربردی که با مشارکت تمام مسئولان ذی‌ربط تنظیم می‌شود، می‌باشد»؛

۴- عملکرد ضعیف رسانه‌ها: همان‌طور که قبلاً گفته شد، که باورها و فرهنگ عمومی جامعه و نیز باورهای بخش‌های خصوصی و دولتی، نقش مؤثری در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی ایفا می‌کنند. باور و فرهنگ صحیح جامعه در زمینه ورزش همگانی عامل مهمی در جلوگیری از آسیب‌رسیدن به فرایند سیاست‌گذاری آن است. اکنون، این سؤال مطرح می‌شود که فرهنگ‌سازی و

ایجاد باور از چه طریق باید انجام شود؟ بدون شک، رسانه‌ها قدرتمندترین نهاد مسئول در این باره هستند که متأسفانه فقدان فرهنگ‌سازی از این طریق آسیبی جدی به فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی وارد کرده است؛

۵- منابع مالی محدود: منابع مالی ابزاری در دست سیاست‌گذاران هستند تا به پشتوانه آن فرایند سیاست‌گذاری را به‌نحو صحیح انجام دهند؛ اما وابستگی مالی به دولت موجب شده است که براساس میزان محدود منابع مالی و امکانات، سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگی انجام شوند و فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی با مشکل مواجه شود.

«هر شخصی فقط بخش خودش را می‌بیند و براساس پول و امکانات یا براساس جمعیت تحت پوشش، تجهیزات و امکانات خود می‌خواهد برنامه‌ریزی کند. آسیب سیاست‌گذاری برای ورزش همگانی این است که هر بخش باید برای خودش برنامه داشته باشد. سیاست واحد و برنامه‌ها باید متفاوت باشند. در ورزش همگانی باید پول داشته باشیم و تصور اینکه در کشورهای توسعه‌یافته می‌خواهید روی ورزش همگانی کار کنید، این توسعه‌یافتگی برای کار کمک می‌کند؛ اما اگر در کشوری دیگر می‌خواهید به‌تازگی روی ورزش همگانی کار کنید، باید هزینه کنید و به تجهیزات، امکانات و اعتبارات نیاز دارید؛ پس، در هر کشوری کار در زمینه ورزش همگانی متفاوت است. این غلط است که تجهیزات نیاز نیست؛ اگر ورزش همگانی را تجهیز کنید، به توسعه ورزش همگانی کمک می‌کند»؛

۶- عملکرد ضعیف نیروی انسانی: در هر سازمانی، نیروی انسانی مهم‌ترین سرمایه آن سازمان است که با عملکرد درخشان این نیروی انسانی و بهره‌وری از آن می‌توان کمبودهای موجود در سایر بخش‌ها را از جمله کمبود سرمایه‌های مالی جبران کرد. خلل و ضعف در عملکرد سرمایه انسانی از جمله استفاده نکردن از پیشکسوتان، تصمیم‌گیری سلیقه‌ای مسئولان، تغییرات مداوم سیاست‌ها توسط آن‌ها و شعار دادن‌های بدون عمل، نه تنها سایر کمبودها را جبران نکرده‌اند، بلکه خود عاملی آسیب‌زا در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی شده است.

«با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان تحقیق به‌تراست که از نیروهایی مانند پیشکسوتان که به فعالیت در این زمینه علاقه‌مندند استفاده کنیم؛ اما ما به‌راحتی از کنار آن‌ها می‌گذریم و توانمندی آن‌ها را در نظر نمی‌گیریم. با فضاهای بسیار زیاد بدون استفاده و نیروهایی که بازنشسته هستند و نیز با مقدار کمی بودجه می‌توانیم از پیشکسوتان استفاده کنیم. با برگزاری دوره‌های آموزشی اطلاعات آن‌ها به‌روز می‌شود و می‌توانیم آن‌ها را به‌کار بگیریم. در واقع، برای سازمان‌دهی نباید سراغ چیزهایی برویم که فقط در اختیارمان هستند. برای سیاست‌گذاری فقط سراغ باشگاه‌ها و تحصیل‌کرده‌ها نرویم؛

سراغ درصد بسیاری از افراد دیگری برویم که خارج از این گود هستند؛ مانند ورزشکارانی که از محیط‌های گمنام بیرون آمده‌اند»؛

۷- قوانین: قوانین و مقررات باید به‌گونه‌ای طراحی شوند تا درعین‌تمرکز و هماهنگی، قابلیت‌های انعطاف‌پذیری نیز داشته باشند. از یک‌سو، متمرکزبودن قوانین بدون توجه به شرایط منطقه‌ای، آداب و رسوم و فرهنگ مردم، بی‌توجه‌بودن به سرمایه‌های بالقوه در استان‌ها و بودجه و امکانات موجود و از سوی دیگر، نهادینه‌نبودن سیاست‌ها، زنجیروارنبودن اهداف و سهم‌خواهی فدراسیون و وزارت ورزش از برنامه‌های ورزشی سازمان‌ها، به فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی آسیب جدی وارد کرده‌اند.

«یکی از مواردی که به فرایند سیاست‌گذاری آسیب می‌زند، سهم‌خواهی است. اگر سازمانی بخواهد برای ورزش خود برنامه‌ریزی کند، سازمان‌های دیگر مانند فدراسیون یا وزارت ورزش سهم‌خواهی می‌کنند که چرا با آن‌ها هماهنگ نشده است. باید به تمرکززدایی توجه شود. فضای تهدید که به سمت تمرکزگرایی می‌رود، بار دولت زیاد می‌شود؛ بنابراین، باید از تمرکزگرایی پرهیز شود تا ورزش رشد کند و به سمت خصوصی سازی برود؛ درغیراین‌صورت، مانعی برای رشد ورزش کشور ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، هر سازمانی باید برای خود سیاست‌گذاری کند»؛

۸- مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی: مراکز علمی و پژوهشی از طریق ارائه طرح‌های پژوهشی، مطالعات میدانی و تطبیقی و همچنین، از طریق فعالیت‌های عملی در قالب ورزش همگانی، می‌توانند مانع از آسیب‌رسیدن به فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی شوند. در حال حاضر، ساعات زیادی در دانشگاه‌ها، مدارس و کارخانه‌ها بدون استفاده مانده‌اند. افزون‌براین، به آسیب‌شناسی فاصله ایجادشده بین کشورهای صاحب‌سبک درزمینه ورزش همگانی و ایران توجهی نمی‌شود.

«آسیب‌ها را باید شناسایی کنیم؛ به عنوان مثال، زمانی که از فضاهای ورزشی صحبت می‌شود، بلافاصله سراغ باشگاه‌ها می‌رویم؛ اما در دانشگاه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و سایر وزارت‌خانه‌ها نیز فضاهای خوب زیادی داریم که بدون استفاده مانده‌اند و به دلیل رسیدگی‌نشدن ازبین می‌روند. در برخی از ساعات، هم درزمینه پژوهش ورزشی و هم انجام فعالیت‌های ورزشی می‌توانیم از این فضاهای ورزشی به‌خوبی استفاده کنیم؛ درحالی‌که وقتی بدون استفاده مانده‌اند، ازبین نیز رفته‌اند».

ارائه الگوهایی برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی، هدف سؤال بعدی پژوهش حاضر بود. طبق بررسی‌های انجام‌شده، مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی، الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، مؤلفه‌های شناسایی‌شده برای این سؤال هستند. در جدول شماره سه، مقوله‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها آمده‌اند.

جدول ۳- الگوهای برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی

تحلیل داده‌ها با روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱)، کدگذاری و مقوله‌ای کردن	
سؤال ۳- به نظر شما، از چه الگویی می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده کرد؟	
مضمون(ها)	مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها
مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی	الگوی کشورهای موفق دنیا و مطالعه سیاست‌های واحد آن‌ها برای همسو کردن فعالیت‌های بخش‌های مختلف، الگوی کشورهای که وزارت ورزش و بهداشت آن‌ها با هم همکاری می‌کنند و بومی‌سازی الگوهای موفق جهان.
تغییرات ساختاری	اصلاح ساختارها، سهمیه‌بندی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، پذیرش تولیدیت سیاست‌گذاری در وزارت ورزش، ایجاد جایگاهی برای طرح اندیشه‌ها، نوآوری‌ها، ایده‌ها، خلاقیت‌ها و تبدیل آن‌ها به سیاست.
الگوهای عملیاتی و اجرایی	صدور مجوز، نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه‌ای از فعالیت‌های متصل به هم، برنامه‌ریزی‌های مکمل برای دستگاه‌های اجرایی، تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبردهای کلان نظام
الگوهای فرهنگی و دینی	آموزش و آگاهی‌سازی، راهکارهای دینی و توصیه‌های معصومان (ع)
الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی	مطالعه نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، انجام مطالعات دقیق همراه با سرشماری

الگوهایی که می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی از آن‌ها استفاده کرد، به شرح زیر هستند:

۱- مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی: بهره‌بردن از الگوی کشورهای موفق دنیا و مطالعه سیاست‌های واحد آن‌ها برای همسو کردن فعالیت‌های بخش‌های مختلف و همچنین، بهره‌گیری از الگوی کشورهای که وزارت ورزش و بهداشت آن‌ها با هم همکاری می‌کنند و بومی‌سازی این الگوها، می‌تواند برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی سازنده باشد.

«یکی از الگوهایی که در این زمینه می‌تواند استفاده شود، این است که چند سیاست تطبیقی داشته باشیم؛ برای مثال، بعضی از کشورهای دنیا به‌جای وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک دارند و در بعضی از کشورها، وزارت ورزش و بهداشت یکی است و می‌توانند با هم فعالیت داشته باشند که آن کشورها موفق‌تر بودند؛ زیرا، سلامتی و ورزش هم‌راستایی بیشتر و بهتری با هم دارند و این الگو نیز می‌تواند الگویی برای سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران باشد»؛

۲- تغییرات ساختاری: اصلاح، نوسازی، اعمال تغییرات با توجه به زمان و مکان و منابع مالی و انسانی در ساختار ورزش همگانی می‌تواند به‌عنوان الگویی انحصاری مطرح باشند. اصلاح ساختارها، سهمیه‌بندی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، پذیرش تولیدیت سیاست‌گذاری ورزش همگانی در وزارت ورزش، ایجاد

جایگاهی برای طرح اندیشه‌ها، نوآوری‌ها، ایده‌ها، خلاقیت‌ها و تبدیل آن‌ها به سیاست، از جمله تغییرات ضروری هستند؛

۳- الگوهای عملیاتی و اجرایی: صدور مجوز، نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه‌ای از فعالیت‌های متصل به هم که درعین داشتن استقلال مانع از انجام فعالیت‌های تکراری شوند، برنامه‌ریزی‌های مکمل برای دستگاه‌های اجرایی و تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبردهای کلان نظام الگویی است که می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده کرد. «به‌نظر می‌رسد سازمان‌ها بهترین منابعی هستند که می‌توانند در راستای سیاست‌گذاری‌های هیئت و فدراسیون نسبت به رفع نیاز و ایجاد تحرک گام بردارند و نقش کمیته و انجمن‌ها را ایفا کنند. از سوی دیگر، فدراسیون یا هیئت‌ها صرفاً نقش سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری دارند و به‌عنوان ناظر و حامی کمک کنند و فراهم کردن هرگونه زمینه و شرایط پیشرفت را با توجه به درخواست متقاضیان در اختیار اعضا قرار دهند؛ از جمله صدور مجوز، نظارت، همراهی در اجرا، استفاده از امکانات برای ترویج، گسترش و ایجاد انگیزه ورود بخش خصوصی و نیروهای مردمی به ورزش‌های موجود. فدراسیون یا هیئت تمرکز خود را بر آموزش و آگاه‌سازی، هماهنگی، هدف‌گزینی و برنامه‌ریزی بگذارد»؛

۴- الگوهای فرهنگی و دینی: آموزش و آگاهی‌سازی، راهکارهای دینی و توصیه‌های معصومان (ع) الگوهای فرهنگی و دینی محسوب می‌شوند که می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی از آن‌ها استفاده کرد.

«مهم‌ترین روش برای سیاست‌گذاری، دین مبین اسلام و توصیه‌ها و راهکارهای معصومان (ع) خواهند بود که باید با علم و فناوری هماهنگ شوند و به‌کار برده شوند»؛

۵- الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی: از الگوهای علمی و پژوهشی و کسب نتایج از طریق مطالعه نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و نیز مطالعه دقیق مناطق مختلف همراه با سرشماری، می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده کرد.

«به‌نظر پژوهشگر، الگوی مرسوم (مبتنی بر پژوهش علمی) ما را به جواب می‌رساند. پژوهش علمی از جمله مطالعه وضعیت، محیطی بیرونی و درونی، حفظ و ثبت نقاط قوت و نقاط ضعف واقعی، فرصت‌ها و تهدیدهای واقعی، استفاده از کارشناسان. پیشنهاد می‌شود با توجه به نقاط قوت و نقاط ضعف بتوانیم راهبردها و سیاست‌های مناسب تدوین کنیم. نباید انتظار داشته باشیم در تهران سیاست‌ها را بنویسیم و در همه نقاط کشور جواب دهد و بهتر است این کار به‌صورت منطقه‌ای و استانی صورت گیرد».

نتایج بخش کمی

در این بخش، نتایج به دست آمده از تحلیل پرسش نامه ارائه می شود. درصد هستیم به این سؤال پاسخ دهیم که کدامیک از آسیب های موجود در فرایند سیاست گذاری ورزش همگانی نقش بیشتری نسبت به سایر آسیب ها دارند؟

در جدول شماره چهار، میانگین رتبه های آسیب های موجود در فرایند سیاست گذاری ورزش همگانی آمده است. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده صفر است که کمتر از سطح ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که با وجود تفاوت در میانگین رتبه های آسیب های موجود در ورزش همگانی، آزمون فریدمن معنادار نیست و آسیب های موجود تقریباً در یک سطح، فرایند سیاست گذاری ورزش همگانی را تحت تأثیر قرار می دهند.

جدول ۴- میانگین رتبه های آسیب های موجود در فرایند سیاست گذاری ورزش همگانی با استفاده از آزمون

فریدمن

ردیف	آسیب های موجود در فرایند سیاست گذاری ورزش همگانی	میانگین رتبه ها
۱	ضعف در نظارت و کنترل	۷/۱۹
۲	ساختار نامناسب و ضعف در وزارتخانه ها، هیئت ها و غیره	۷/۳۷
۳	ضعف نظام ارتباطی در میان نهادهای مسئول	۷/۳۵
۴	تعدد تصمیم گیرندگان و نداشتن وحدت رویه جامع	۷/۱۷
۵	دیربازده بودن برنامه ها	۶/۶۹
۶	منابع مالی محدود	۸/۵۲
۷	عملکرد ضعیف رسانه ها	۸
۸	قوانین متمرکز و نهادینه نبودن سیاست ها	۷/۱۳
۹	عملکرد ضعیف نیروی انسانی	۹/۳۶
۱۰	مشارکت محدود مراکز علمی پژوهشی	۸/۲۴
۱۱	نبود روش و الگوی منسجم	۷/۲۷
۱۲	دولتی بودن ورزش همگانی	۶/۰۶
۱۳	نبود پژوهش نظام مند	۵/۷۹
۱۴	کم رنگ شدن نقش مردم و جراید در سیاست گذاری ها	۸/۵۹

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با روش ترکیبی در دو بخش کیفی و کمی، به آسیب شناسی فرایند سیاست گذاری ورزش همگانی پرداخت. به عقیده دانایی فرد (۱۳۸۷)، منفعت عمومی جامعه از سیاست گذاری، اثربخشی، سازگاری و میزان تطابق سیاست با اهداف و راهبردهای کلان دولت و نظام های نهادی،

قانونی و اصلاحی، انصاف و برابری و انعکاس ارزش‌های جامعه، عواملی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان در مورد درستی یک سیاست یا فرایند سیاست‌گذاری قضاوت کرد.

طبق اطلاعات به‌دست‌آمده از اولین سؤال بخش کیفی، بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش بر این عقیده بودند که سیاست‌گذاری صحیحی در ورزش همگانی کشور انجام نمی‌شود و مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر و تدوین علمی و نیز مطالعات و پژوهش‌ها هستند. مؤلفه‌های سازمانی شامل راهبردهای مقام معظم رهبری، اسنادی همچون سند توسعه ورزش‌های همگانی و مسیر بحرانی آن، سند تحول و ارزیابی و پیگیری آن، ترویج ساختار مدیریتی ورزش‌های همگانی، دسترسی به ورزش‌های همگانی از لحاظ کمی و کیفی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشارکت نهادهای عمومی و مردمی، برگزاری مستمر رویدادهای مختلف، توجه به ورزش قهرمانی، توجه به ورزش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهره‌وری و استفاده از توانمندی افراد، گسترش رشته‌های مختلف با همکاری نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های ذی‌ربط، میزان حضور ورزش در برنامه‌های نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های ذی‌ربط، وضع قوانین ورزش، میزان توجه به ورزش و برنامه‌ریزی برای آن هستند. باورها و فرهنگ‌ها شامل باورها و فرهنگ عمومی جامعه، فرهنگ ورزشی و تحرک در جامعه و نهادینه‌بودن آن، باورهای فرهنگی مردم نسبت به ورزش، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سایر نهادها مثل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، بهداشت و درمان، بهزیستی و حتی نیروهای نظامی هستند. شرایط اقتصادی شامل امکانات و تجهیزات مناسب، بودجه کافی برای ایجاد رغبت و عملیاتی‌شدن سیاست‌ها، بهره‌برداری از منابع مالی و دسترسی به امکانات لازم هستند. تحلیل، تفسیر و تدوین علمی شامل داشتن تعاریف واحد و همگون از ورزش همگانی، شناخت وضعیت موجود و نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، تدوین فلسفه ورزش، هدف‌گذاری، طرح مسئله، شناخت محیط و تحلیل آن، تدوین برنامه جامع و تعیین سهم و وظایف هر نهاد و داشتن مدیران سیاست‌گذار است. مطالعات و پژوهش‌ها شامل مطالعه محیطی کشورهای موفق در زمینه ورزش همگانی، الگوبرداری از آن‌ها و علمی‌بودن فرایند سیاست‌گذاری و منطبق‌بودن عملکرد با استانداردهای علمی هستند.

پس از مؤلفه‌های مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی، این سؤال مطرح شد که در کشورمان این فرایند با چه موانع و آسیب‌هایی مواجه است. براساس نظر قلی‌پور (۱۳۸۷)، در فرایند سیاست‌گذاری ایران، گروه‌های سیاسی در مقایسه با گروه‌های دارای نفوذ مدنی و حرفه‌ای بیشترین تأثیر را دارند؛ از این‌رو، بخش‌های غیردولتی و نهادهای مدنی کمترین مشارکت را در فرایند سیاست‌گذاری دارند. همچنین، طولانی‌بودن فرایند سیاست‌گذاری، محدودبودن مبادی اطلاعات

به‌ویژه مبادی اطلاعات غیردولتی و اعتماد پایین به اطلاعات این بخش‌ها، وجود لابی‌های گسترده در صحن علنی و کمیسیون‌ها به‌ویژه از سوی بروکراسی و سازمان دولتی و قوه مجریه، نبود ارتباط تعاملی بین بخش‌های سه‌گانه دولت، خصوصی و نهاد مدنی، واقعیت‌های سیاست‌گذاری در کشور هستند؛ از این‌رو، می‌توان یکی از علت‌های وضعیت موجود و نقش بیشتر دولت در دستورگذاری را حضور دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانست. افزون‌براین، ضعف وجود پژوهش نظام‌مند برای تدوین بسته سیاستی مشاهده می‌شود و پژوهشی با هدف تدوین بسته سیاسی انجام نشده است.

در دومین سؤال بخش کیفی، نتایج پژوهش نشان داد که آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شامل عواملی از جمله ضعف در نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی هستند. ضعف در نظارت و کنترل شامل مواردی از قبیل ضعف در سیستم نظارت و کنترل دقیق مسیرها و فرایندها در زمینه سیاست‌گذاری، پیگیری نکردن کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، نبود نظارت جدی اداری و نظام مند بر اجرای سیاست‌ها و بی‌توجهی وزارتخانه‌های مسئول می‌شود. ساختار ضعیف به نبود ساختار قدرتمند مدیریتی و سازمانی، نبود سامانه وزارتخانه و هیئت‌های استانی، وجود فدراسیون ورزش‌های همگانی، نداشتن فعالیت مستقیم زیرنظر وزارت ورزش، غیرسازمانی بودن معاونت همگانی، نداشتن ساختار مدیریتی مناسب و ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول اشاره دارد. ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا به تعدد تصمیم‌گیرندگان، نداشتن وحدت رویه و برنامه‌ای جامع و کاربردی با مشارکت تمام مسئولان ذی‌ربط، تمرکز بر برنامه‌های بلندمدت، دیربازده بودن برنامه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی‌شده، توجه بیش‌ازحد به تبدیل سیاست‌ها به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، توجه بیش‌ازحد به استنادها، بی‌توجهی به فرایند بین‌المللی و ایجاد فاصله با جهان اشاره دارد. عملکرد ضعیف رسانه‌ها شامل فقدان فرهنگ‌سازی می‌شود. منابع مالی محدود، به میزان محدود منابع مالی و امکانات اشاره دارد. عملکرد ضعیف نیروی انسانی نیز به استفاده نکردن از پیشکسوتان، تصمیم‌گیری سلیقه‌ای مسئولان، تغییر مداوم سیاست‌ها توسط آن‌ها و شعار دادن‌های بدون عمل اشاره می‌کند. آسیب‌های موجود از جانب قوانین و مقررات، متمرکز بودن قوانین بدون توجه به شرایط منطقه‌ای، آداب و رسوم و فرهنگ مردم، بی‌توجهی به سرمایه‌های بالقوه در استان‌ها و بودجه و امکانات موجود، نهادینه نبودن سیاست‌ها، زنجیروار نبودن اهداف و سهم‌خواهی فدراسیون و وزارت ورزش از برنامه‌های ورزشی سازمان‌ها هستند. مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی شامل بدون

استفاده‌ماندن ساعات زیادی در دانشگاه‌ها، مدارس و کارخانه‌ها و بی‌توجهی به فاصله ایجادشده بین کشورهای صاحب‌سبک در زمینه ورزش همگانی و ایران است.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با پژوهش‌های نصیرزاده (۱۳۸۷)، جهان‌بینی (۱۳۸۸)، یاراحمدی (۱۳۸۸)، موسوی جهان‌آباد (۱۳۸۹) و جوادی‌پور و رهبری (۱۳۹۶) اشتراک‌هایی دارد. نقاط مشترک تمامی پژوهش‌ها در نقاط ضعف و آسیب‌ها، نبود فرهنگ ورزش همگانی در کشور، کم‌توجهی به ورزش بانوان، روستاییان، معلولان، طبقات کم‌درآمد و ورزش‌های بومی محلی، کافی نبودن امکانات، تجهیزات و فضاهای ورزش متناسب با جمعیت، نبود اطلاع‌رسانی و تبلیغات در جهت توسعه ورزش همگانی، نبود برنامه‌ریزی جامع، فقدان نیروی متخصص و کارآمد به‌لحاظ کمی و کیفی، کم‌بودن بودجه اختصاص‌یافته به ورزش همگانی، همکاری و هماهنگی نداشتن سازمان‌ها و نهادهای دولتی و تأثیرگذار در امر ورزش، بی‌آگاهی از ضرورت ورزش همگانی و فواید آن و نیز نبود مدیریت واحد و سیاست یکسان در ورزش همگانی است.

طبق بررسی‌های انجام‌شده درباره سؤال بعدی بخش کیفی، مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی، الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، الگوهای هستند که می‌توان از آن‌ها برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده کرد. مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی شامل بهره‌بردن از الگوی کشورهای موفق دنیا، مطالعه سیاست‌های واحد آن‌ها برای همسوکردن فعالیت‌های بخش‌های مختلف، الگوی کشورهای که وزارت ورزش و بهداشت آن‌ها با هم همکاری می‌کنند و بومی‌سازی این الگوها هستند. تغییرات ساختاری شامل اصلاح، نوسازی، اعمال تغییرات با توجه به زمان و مکان و منابع مالی و انسانی، اصلاح ساختارها، سهمیه‌بندی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، پذیرش تولیت سیاست‌گذاری ورزش همگانی در وزارت ورزش، ایجاد جایگاهی برای طرح اندیشه‌ها، نوآوری‌ها، ایده‌ها، خلاقیت‌ها و تبدیل آن‌ها به سیاست هستند. الگوهای عملیاتی و اجرایی شامل صدور مجوز، نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه‌ای از فعالیت‌های متصل‌به‌هم که درعین استقلال مانع از انجام فعالیت‌های تکراری شوند، برنامه‌ریزی‌های مکمل برای دستگاه‌های اجرایی و تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبردهای کلان هستند. الگوهای فرهنگی و دینی شامل آموزش و آگاهی‌سازی، راهکارهای دینی و توصیه‌های معصومان (ع) هستند. الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی نیز شامل الگوهای علمی و پژوهشی، کسب نتایج از طریق مطالعه نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و مطالعه دقیق مناطق مختلف همراه با سرشماری هستند.

طبق نتایج بخش کمی، میان میانگین رتبه‌های آسیب‌های موجود در ورزش همگانی تفاوت معنادار مشاهده نمی‌شود و آسیب‌های موجود همچون ضعف در نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در

برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین و مقررات و نیز مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی، تقریباً در یک سطح فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، تفاوت معناداری در میزان نقش منابع اطلاعاتی موجود از جمله ارگان‌ها و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی، منابع علمی و پژوهشی، منابع آماری و رسانه‌ها برای شناسایی مسائل ورزش همگانی کشور وجود ندارد و منابع اطلاعاتی موجود تقریباً در یک سطح به شناسایی مسائل ورزش همگانی می‌پردازند.

الگوی پیشنهادی با هدف کاهش آسیب‌ها و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی

برای طراحی نظام سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران

۱- در این پژوهش، مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های فرایند سیاست‌گذاری در محورهای مختلف، ضعف در نظارت و کنترل، بی‌توجهی سازمان‌های مسئول در ورزش همگانی به موضوع سیاست‌گذاری، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ای، منابع مالی محدود، قوانین و مقررات و نیز مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی در زمینه موضوع سیاست‌گذاری ورزش همگانی فهرست شدند. بدیهی است که شناخت عمیق این چالش‌ها برپایه مطالعات پژوهشی، تحلیل آن‌ها در فرایند مدیریت و برطرف کردن آن‌ها، نخستین گام در سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران به‌شمار می‌آید. در این بخش، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نقشی فعال باید ایفا کنند.

۲- مطالعه تطبیقی و الگوبرداری از کشورهای پیش‌قدم و باتجربه در ورزش همگانی و بومی‌سازی آن با توجه به توانایی‌ها و امکانات موجود، گام بعدی است که باید برداشته شود. با توجه به ظرفیت‌های علمی و داشتن یک روش‌شناسی دقیق علمی، این فرایند باید توسط کارشناسان و مراکز علمی هدف‌گذاری شود. ارتباط تنگاتنگ سازمان‌های مسئول و سیاست‌گذار با دانشگاه‌ها در این زمینه باید تقویت شود. نیازها اعلام شوند و فرایند و مسیر آن با حساسیت هدایت شود. وجود مراکز پژوهشی معتبر مانند مراکز سیاست‌پژوهی در دانشگاه‌ها ضروری است که شاکله مدیریتی این مرکز می‌تواند به‌صورت هیئت‌امانای مشترک از وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و سایر دستگاه‌های اجرایی اداره شود؛

۳- اصلاح ساختار موجود ورزش همگانی ضروری است؛ به‌طوری‌که در ارکان نظام ورزش همگانی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت، علاوه بر تفکیک، تکمیل‌کننده نیز باشند. تقسیم کار ملی در ورزش همگانی و تعیین نقش دولت و غیردولت محور این اصلاح ساختاری را تشکیل می‌دهد. ورزش همگانی چه به‌لحاظ برنامه‌ریزی و چه از حیث اجرا باید با مشارکت مردم صورت گیرد. نقش نهادهای عمومی و به‌ویژه انجمن‌های تخصصی باید برجسته شود؛

- ۴- آموزش و آگاهی‌سازی عمومی و ایجاد مشارکت وسیع و فراگیر، در الگوی سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران نقش محوری داشته باشد؛
- ۵- ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری و طراحی نرم‌افزاری توسعه ورزش همگانی در ایران، ابتدا باید توسط دولت و نهادهای مسئول در ورزش همگانی ایران انجام شود؛
- ۶- راهبردهای سازمانی و استانداردسازی فعالیت‌های مربوط به ورزش همگانی در اولویت قرار گیرند؛
- ۷- راه‌حل‌های اقتصادی و پیوند نزدیک آن‌ها با ورزش همگانی، مسیر ورزش همگانی را از حالت وابسته به فعالیت مولد تبدیل می‌کنند؛
- ۸- طراحی نظام ورزش همگانی و گسترش شبکه آن در سطح کشور ضروری است. در نظام ورزش همگانی، ارتباط و تعامل دستگاه‌های سیاست‌گذار، برنامه‌ریز، مجری، پشتیبانی‌کننده و ناظر باید تعریف و عملیاتی شود؛
- ۹- پیوند نزدیک بین نهادهای سیاست‌گذار در سطح کلان و نهادهای سیاست‌گذار در ورزش همگانی باید به‌وجود آید؛
- ۱۰- در طراحی و تعریف سیاست‌های ورزش همگانی در ایران، باید نقطه شروع در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، انجمن‌ها و نهادهای تخصصی ورزش همگانی باشند؛
- ۱۱- تهیه گزارش‌های ملی از وضعیت ورزش همگانی و رصد کردن مکرر آن‌ها از اولویت‌های اصلی برای طراحی ساختار ورزش همگانی ایران به‌شمار می‌آیند؛
- ۱۲- نیازسنجی، استعدادیابی و توجه به ظرفیت‌های بالقوه در دانشگاه‌ها، مدارس و خانواده‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ مناطق مختلف کشور و برنامه‌ریزی براساس آن‌ها؛
- ۱۳- ایجاد انگیزه و فراهم کردن شرایط و رفع موانع مشارکت بخش خصوصی و نهادهای عمومی برای سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی و رفع مشکلات اقتصادی؛
- ۱۴- تهیه و تنظیم قوانین، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ثابت و درعین‌حال منعطف، یکسان، همسو، کاربردی، منسجم و جامع و ابلاغ آن‌ها به تمام دستگاه‌های ذی‌ربط و نظارت بر اجرای صحیح آن‌ها، در کنار تهیه و تنظیم قوانین و دستورالعمل‌ها و سیاست‌های ویژه هر منطقه و فرهنگ. نتایج پژوهش نشان داد که فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران با آسیب‌ها و چالش‌هایی همراه است که باید آن‌ها را شناخت و براساس روش‌های علمی اصلاح کرد. تغییرات ساختاری و اصلاح قوانین از عمده‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌آیند و باید از الگوهای دقیق و علمی برای سیاست‌گذاری استفاده کرد. همچنین، در فرایند سیاست‌گذاری باید از مسیرهای علمی و پژوهشی بهره‌برداری کرد و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در این فرایند مشارکت داشته باشند.

تقدیر و تشکر

از حمایت صندوق پژوهشگران کشور و همکاری فدراسیون ورزش همگانی، مدیران و صاحب‌نظران علمی و دانشگاهی که در اجرای این طرح مشارکت داشتند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

References

1. Alwani, S. M., Sharif Zadeh, F. (2004). The course of General Policy making. Tehran, Allameh Tabatabaei University Press. (Persian).
2. Aman, M. S. (2005). Leisure policy in New Zealand and Malaysia: A comparative study of developments in sport and physical recreation. PhD thesis, Lincoln University New Zealand.
3. Arab Narmi, B., Goudarzi, M., Sajadi, S. N., & Khabiri, M. (2016). Television and development of sport for all: A Grounded Theory. *Journal of Sport Management*, 8(40), 17-40. (Persian).
4. Danaeefard, H. (2008). Public administration challenges in Iran. Tehran: Samt Publication. (Persian).
5. Dosti, M. (2011). The explanation and analyzing the causes and consequences of entering politics to sports in Iran. (Doctoral dissertation). Tehran University, Tehran. (Persian).
6. Ghafari, F., Honarvar, A., & Honari, H. (2007). Study of kinds of public and recreation Sports and desirable entertainment of society and providing a model for future planning. Research project of Iran's Physical Education Organization.
7. Gholipour, R. (2008). Decision-making and public policy making. Tehran. Samt Publication. (Persian).
8. Houlihan, B. (2005). Public sector sport policy. Developing a framework for analysis international. *Review for the Sociology of Sport*, 40(2), 163-85
9. Jahanbini, A. (2009). Presentation the strategy for general and championship sport Development in Qom province, Master thesis, Payame Noor University of Tehran.
10. Javadipour, M. (2011). The development strategic plan of sport for all, the research project. Ministry of Sport and Youth, Public Sports Federation.
11. Javadipour, M., Sami Nia, M., & Ghavidel Sarkandi, M. (2012), presented a theoretical framework and design the model for the development of sport for all in Iran. *Journal of Sport Management Studies* 21, 127-48. (Persian.)
12. Javadipour, M., rahbari, S. (2017). Identification of the Components Effective on Policy-Making in Sport for All in Iran. *Science and Technology Policy Letters*, 7(3), 75-84. (Persian).
13. Josef, F., & Cecilia, S. (2015). Sport policy in Sweden. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8(3), 515-31.
14. Kashef, M. (1997). The study of sport for all in Iran and recommendations for its, research project under the supervision of the National Scientific Research Council. University of Uremia.
15. Keshkar, S. (2015). Definition the criteria and method of Measurement the effectiveness of programs in recreational sports citizens (sport for all), *Research in Sport Management and Motor Behavior*, 11(22), 113-32. (Persian).

16. Kim, B.C. (2008). Professional Baseball in Korea: Origins, Causes, Consequences and Implications", *The International Journal of the History of Sport*, 25,(3): 370-85.
17. Malakoutian, M. (2009). Sport and politics. *Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science*, 39(2), 301-316.
18. Mohammadi, A., Shafeei, Z., & Zahedi, M. (2014) A comparative study of tourism development policy in Iran and Malaysia. (Master's thesis). Isfahan Univeristy, Isfahan. (Persian).
19. Naseerzadeh, A. (2008). Design and presentation of strategy for development of general and championship sport in Kerman province. Master thesis, Payame Noor University of Tehran. (Persian).
20. Outline Document of Development Strategy a Comprehensive System of Physical Education and Sport. (2002). Physical education organization in the Islamic Republic of Iran's, Inc. Rod Azar system.
21. Sargit, S. (2017). Sport Malaysia: Policies and development strategies for the populace. Paper presented at the Second International Sport for all Conference, Tehran.
22. Streubert, H., & Carpenter, D. R. (2011). *Qualitative research in nursing*. Philadelphia: Lippincott co.
23. Yar Ahmadi, M. (2009). Examine the current status of the championship and general sport of the city of Dorood, Master thesis. Payame Noor University of Tehran. (Persian).

استناد به مقاله

جوادی‌پور، محمد، روحی دهکردی، میترا، رهبری، سمیه، و طایفی، حلیمه. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی فرایند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۰ (۵۲)، ۱۷-۴۲. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2017.4090.1789

Javadi Pour, M., Rouhi Dehkordi, M., Rahbari, S., & Taefi, H. (2019). Pathology the Process of Policy-Making in Sport for All in Iran and Presentation the Model. *Sport Management Studies*. 10(52): 17-42. (Persian). Doi: 10.22089/smrj.2017.4090.1789

Pathology the Process of Policy-Making in Sport for All in Iran and Presentation the Model

M. Javadi Pour¹, M. Rouhi dehkordi², S. Rahbari³, H. Taefi⁴

1. Associate Professor of Methods and Educational Programs, University of Tehran, Tehran, Iran*
2. Assistant Professor, Farhangian University of Tehran, Iran
3. Ph.D. Student in Sport Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. M.Sc. of Sport Management, Al-Zahra University of Tehran, Iran

Received: 2017/05/05

Accepted: 2017/08/12

Abstract

The purpose of the present study was pathology the process of policy-making in sport for all in Iran and presentation the model. Research method in terms of the purpose was practical and in view of the nature of the research data was mixed design. Executives and experts of sport for all were considered as statistical population. The sampling method for qualitative section research was convenient and with using targeted sampling techniques and based on the sampling criterion was conducted with 16 people. The data were collected through interviews. Then data from interviews by Streubert and Carpenter's method (2011) coded and analyzed. For quantitative section samples were selected randomly and data were collected by questionnaire. The items of this questionnaire were extracted from the systematic interviews with the managers and executives of sport for all. The reliability of the questionnaire was calculated by Cronbach's alpha method ($\alpha = 0.83$). Data analysis in this section was done with using SPSS software and Friedman test. In qualitative section the results showed that the organizational components, beliefs and cultures, economic conditions, analysis, interpretation and compilation of scientific, studies and research are the factors affecting in sport's policy-making and existing damage in the process of policy-making in sport for all including factors such as poor monitoring, poorly structured, lack of planning and implementation, poor performance of the media, limited financial resources, poor performance of human resources, rules and limited partnerships, academic and research centers. Also, adaptation and localized studies organizational management, cultural and religious patterns, patterns based on scientific research, patterns that can be used for policy making in sport for all. According to the results in the quantitative section there was no significant difference between the mean scores of the damage in sport for all and amount role of information sources available. In general, the results showed that the sport's policy-making process associated with damages and challenges that they must to know and be modified based on scientific methods. The most important items are the structural changes and amendments the laws and used of accurate and scientific patterns for policy making.

Keywords: Sport for All, Sports Policy-Making, Iran

*Corresponding Author

Email: javadipour@ut.ac.ir